

اعلامیه مطبوعاتی

فتوای بی‌جهاد، همجو اذان بی‌نماز است؛ صدایی بلند، اما بی‌ثمر!

(ترجمه)

پس از سکوت طولانی از سوی بسیاری از علمای امت در برابر کشتارهای پی‌درپی‌ای که رژیم یهود در غزه می‌شود، سرانجام اتحادیه‌ی جهانی علمای مسلمان فتوایی شرعی صادر کرد که بر وجوب جهاد مسلحانه علیه رژیم یهود تأکید می‌کند. این فتوا خواستار مداخله‌ی فوری نظامی از سوی سرزمین‌های اسلامی در حمایت از مقاومت فلسطین است و همچنین بر لزوم لغو کامل هرگونه شکل از عادی‌سازی روابط با رژیم یهود تأکید دارد.

اعلام شده که کمیته‌ی اجتهاد و فتوا در این اتحادیه، که مقر آن در دوحه و استانبول قرار دارد، این فتوا را در پی استمرار تجاوزات به غزه و نقض آتش‌بس صادر کرده است. در این فتوا بر ضرورت محاصره‌ی زمینی، دریایی و هوایی رژیم یهود و بر وجوب مداخله‌ی فوری نظامی از سوی سرزمین‌های اسلامی در حمایت مالی، نظامی و سیاسی از مقاومت فلسطینی تأکید شده است.

اتحادیه در بیانیه‌ی خود تصریح کرده است که آنچه در نوار غزه در حال وقوع است، یک نسل‌کشی سازمان‌یافته است که جان بیش از پنجاه هزار تن را گرفته و با پشتیبانی مستقیم ایالات متحده‌ی امریکا و در سایه‌ی سکوت خائنان‌های سران سرزمین‌های اسلامی و ناتوانی خفت‌بار آنان در یاری رساندن به مسلمانان همراه است.

با وجود تأخیر در صدور این فتوا که مسئولیت سنگین ترک نصرت مسلمانان در غزه را متوجه دولت‌های حاکم در سرزمین‌های اسلامی می‌سازد، واکنش علما و نهادهای فتوا نسبت به آن متفاوت بود: برخی از آن حمایت کرده و از آن تمجید کردند بی‌آنکه هیچ‌گونه اقدامی انجام دهند؛ برخی دیگر در برابرش سکوت کردند از ترس پیامدها، چنان‌که سال‌ها در برابر کشتارها خاموش بودند و اکثریت همین‌اند؛ و گروهی – با بی‌شرمی تمام – صراحتاً آن را رد کردند، همان‌گونه که دارالافتای نظام السیسی در سرزمین کنانه (مصر) چنین کرد و با این کار، سخن رسول الله صلی الله علیه وسلم را زیر پا گذاشتند که فرمود:

«وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ، فَلْيُفْلِحْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ» (رواه البخاري ومسلم)

ترجمه: هر کس به الله و روز قیامت ایمان دارد، یا باید سخن نیک گوید یا سکوت اختیار کند.

از جمله کسانی که از این فتوا حمایت کرده و از آن تجلیل نمود، مفتی تقی عثمانی در پاکستان بود که اعلام کرد: «جهاد علیه اسرائیل بر تمام سرزمین‌های اسلامی واجب است.» در کنفرانس ملی فلسطین در اسلام‌آباد پرسید: «فایده‌ی ارتش‌های سرزمین‌های اسلامی چیست، اگر قرار نیست برای جهاد و آزادی نخستین قبیله‌ی مسلمانان به حرکت درآیند؟»

اما ما در حزب التحرير-ولایه‌ی پاکستان، از همان لحظه‌ی نخست این تجاوز وحشیانه، با صدایی رسا و آشکار فریاد برآوردیم و همان چیزی را مطالبه کردیم که این فتوا بر آن تأکید کرده است. ما اعلام کردیم که جهاد، یک فریضه‌ی شرعی است که هیچ‌گونه سستی و تأخیر را نمی‌پذیرد و با صدای بلند گفتیم: راه رسیدن به فلسطین از مسیر کنفرانس‌ها نمی‌گذرد؛ بلکه از مسیر ارتش‌ها می‌گذرد.

و هرچند این فتوا دیر صادر شد، اما ما نیز همان‌گونه که گفته‌اند، می‌گوییم: «آمدن دیر بهتر از نیامدن است.» با این حال، نکته‌ای اساسی هنوز غایب است و آن این است که: چگونه باید این فتوا اجرا شود؟ علما می‌دانند و امت نیز می‌داند که مانع اصلی در برابر جهاد، حاکمان مزدور سرزمین‌های اسلامی‌اند. آنان سد محکم در برابر حرکت ارتش‌ها هستند، آنان گنبد آهنینی واقعی‌اند که رژیم یهود را از خشم امت محافظت می‌کنند. و افزون بر این، آنان به آنچه الله سبحانه و تعالی نازل کرده حکم نمی‌کنند، شریعت را تعطیل کرده‌اند و در صدر آن، فریضه‌ی جهاد فی سبیل الله را که تاج قله‌ی اسلام است کنار نهاده‌اند. آیا معقول است که پیروزی را از خیانت‌پیشگان طلب کنیم؟ و آیا شایسته است که امید خود را به کسانی ببندیم که ارتش‌ها و امت را به زنجیر کشیده‌اند؟

قاعده‌ی شرعی "مَا لَا يَتِمُّ الْوَاجِبُ إِلَّا بِهِ فَهُوَ وَاجِبٌ" یعنی آنچه که بدون آن انجام واجب ممکن نیست، خود نیز واجب است، ما را ملزم می‌سازد که برای براندازی این نظام‌هایی که بر سینه‌ی امت سنگینی می‌کنند اقدام کنیم. این رژیم‌ها مانع جهاد و آزادی‌سازی هستند، و این آنان‌اند که امت و ارتش‌هایش را از انجام وظیفه‌ی شرعی‌شان باز می‌دارند. این جز با برپایی رهبری‌ای مخلص محقق نمی‌شود؛ رهبری‌ای که حامل طرح وحدت امت و ارتش‌هاست، حاکمیت را به امت باز می‌گرداند و آن را در مسیر آزادسازی سرزمین مبارک رهبری می‌کند.

و این رهبری امروز در حزب‌التحریر موجود است؛ حزبی که پروژه‌ی خلافت راشده بر منهج نبوت را با خود دارد و تحت رهبری عالم جلیل عطاء بن خلیل ابو الرشته به پیش می‌رود. این حزب تنها به نصرت اهل قدرت و قوت از میان فرزندان ارتش‌ها – در رأس آنان ارتش پاکستان – نیاز دارد تا گام نهایی برداشته شود.

خطاب ما به تمامی علما و مفتیان است: شما را فرا می‌خوانیم که در کنار حزب‌التحریر برای اقامه‌ی خلافت کار کنید و به‌طور جدی برای بیعت با یک خلیفه‌ی واحد برای امت دعوت نمایید؛ خلیفه‌ای که امت را متحد سازد و ارتش‌هایش را در مسیر تحقق بشارت رسول الله صلی الله علیه وسلم به حرکت درآورد، آنجا که فرمودند:

«لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يُقَاتِلَ الْمُسْلِمُونَ الْيَهُودَ، فَيَقْتُلُهُمُ الْمُسْلِمُونَ حَتَّى يَخْتَبِئَ الْيَهُودِيُّ مِنْ وَرَاءِ الْحَجَرِ وَالشَّجَرِ، فَيَقُولُ الْحَجَرُ أَوْ الشَّجَرُ: يَا مُسْلِمُ يَا عَبْدَ اللَّهِ هَذَا يَهُودِيٌّ خَلْفِي، فَتَعَالَ فَاقْتُلْهُ، إِلَّا الْغَرَقَدَ، فَإِنَّهُ مِنْ شَجَرِ الْيَهُودِ» (رواه مسلم)

ترجمه: قیامت برپا نمی‌شود تا آنگاه که مسلمانان با یهود بجنگند، مسلمانان آنان را مورد کشتار قرار می‌دهند تا آنجا که یهودی پشت سنگ و یا درخت پنهان می‌شود و سنگ و یا درخت می‌گوید: ای مسلمان ای بنده‌ی الله این پشت سر من یهودی است، بیا و آنرا بکش، جز درخت غرقه که آن از درختان یهود است.

دفتر مطبوعاتی حزب‌التحریر – ولایه پاکستان

شماره صدور: 37 / 1446

13 شوال سال 1446 ه.ق.

11 اپریل سال 2025 م.

مترجم: محمد مزمل